زمزمه

■ بار خدایا! به تو پناه می‌برم از برانگیخته شدن آز و تندی و خشم و چیرگی رشک و ناتوانی شکیب و کمی قناعت و بدی خوی و پافشاری در شهوت و داشتن تعصب.
■ پیروی از هوای نفس و مخالفت با رهنمود و به سربردن در خواب بی‌خبری و فرو افتادن در تکلف و برگزیدن باطل برحق و پافشاری برگناه و خرد شماری نافرمانی (خداوند) و بزرگ شماری فرمانبرداری (خویش).
■ از نازش (مانند) توانگران و خوار شمردن تنگدستان و بدرفتاری با زیردستان و ناسپاسی با آنکه به ما نیکی کرده است.
■ (به تو پناه می‌بریم از) آنکه به ستم پیشه‌ای، یاوری کنیم. یا ستم زده‌ای را به حال خود واگذاریم، یا آنچه حق ما نیست، بخواهیم یا درباره دانش، بی‌دانایی، سخن سر کنیم.
■ به تو پناه می‌بریم که برای کسی فریب اندیشی (وبدسگالی) کنیم و در کردارمان به خودپسندی افتیم و آرزوهای خود را دور و دراز گردانیم.
■ پناه به تو می‌بریم از بدی باطن و خردشماری گناه کوچک و چیرگی شیطان برما و از اینکه روزگار ما را دچار پیشامدی کند یا گرفتار ستم حاکم شویم.
■ پناه می‌بریم به تو از دست زدن به گزاف‌کاری و دچار شدن به تنگدستی.
صحیفه سجادیه، نیایش هشتم، ترجمه علی موسوی گرمارودی

فانوس

■ فاطمه علوی/ اول راهنمایی که بودم، هفته‌ای یک بار جمع می‌شدیم توی نمازخانه و مربی تربیتی‌مان برایمان زیارت عاشورا می‌خواند، گاهی وسطش روضه هم می‌خواند. تقریباً آن زمان اولین مواجهات من با کلمات روضه بود. هنوز درست نمی‌دانستم مقتل چیست! یادم هست که توی دبیرستان با مقاتل آشنا شدم و تازه متوجه شدم روضه‌ها از کجا می‌آیند که تقریباً همه‌شان یک چیز می‌گویند. آن سال‌ها که توی مدرسه کلمات روضه را می‌شنیدم از بزرگی ماجرا خبر نداشتم، ولی یک چیزی توی آن کلمات بود که دلم را خیلی می‌سوزاند و اشک‌هایم را جاری می‌کرد، آن‌هم این بود که یک خواهر و برادری یک جای دنیا، خیلی سال پیش به شکل تلخی از هم جدا شده‌اند و آن خواهر بعد از برادرش خیلی روزهای سختی را گذرانده است. خودم دو برادر داشتم و با یکی از برادرها که فاصله سنی کمتری داریم، خواهر و برادری را زیسته بودم.
به اندازه تجربه زیسته‌ام روضه را می‌گرفتم و گریه می‌کردم. هرچه بزرگ‌تر شدم روضه‌ها برایم بزرگ‌تر و بزرگ‌تر شدند. بعدتر که خودم دستم رسید به مقاتل، با وجوه دیگری از ماجرا آشنا شدم. از رشادت‌های حضرت زینب بیشتر خواندم و بزرگی آن زن دوچندان برایم نمایان شد. دیگر گریه کردنم برای ماجرا، اشک ریختن یک دختربچه در کنج نمازخانه مدرسه‌شان و از سر تجربه زیسته خودش و برادرش نبود! گریه بر بزرگی اتفاقی تاریخی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی بود. حالا که سی سالگی را رد کرده‌ام روضه‌ها هنوز همان روضه‌ها هستند و هر کدام بخشی از مقاتل را برایمان می‌گویند اما هر روز آن غم کوچک کودکی با من قد کشیده و بزرگ‌تر و جدی‌تر و واقعی‌تر شده است.
انگار ماجرای آن خواهر و برادر آنقدر بزرگ است که ما هرقدر بزرگ‌تر بشویم باز در برابر چگالی ماجرا، همان دختر بچه کوچک هستیم! حتماً خودشان هم می‌دانستند که گفته‌اند هروقت خواستید برای چیزی گریه کنید، برای آن خواهر و برادر گریه کنید. اصلاً انگار همین از ما برمی‌آید و بس.

باران

■ داوود پیامبر گفت: خدایا، خواهم بدانم که کَرَم تو با بنده عاصی تا کجا است؟ ندا آمد: ای داوود؛ تا آنجا که بنده‌ای باشد که گناه کند و من او را از سر گناه به لطف و نعمت خود (نه به قهر و عقوبت خود) فرا دارم و نعمت بر او بیشتر ریزم و نوازش بر او بیشتر کنم، تا آخر از من شرم دارد و به درگاه من باز گردد! سزاوار بنده ضعیف آنست که به زبان سپاسداری به صفت تضرع و زاری گوید: ای نزدیکتر به ما از ما، نه کار ما به ما، ای مهربانتر از ما به ما، ای نوازنده ما به کَرَم خویش نه به سزاواری ما، نه کار ما به ما، نه به طاقت ما، نه معاملت در خور ما، نه منت به توان ما هرچه کردیم تاوان برما، هرچه کردی باقی بر ما، هرچه کردی به جای ما به خود کردی نه برای ما!
■ نیک نگر تا گمان نکنی که فقر همه آنست که در دنیا بی‌مال و بی‌کام باشی، فقر سخت که به کفر نزدیک است فقر دل است که بزرگی شرع را از دل ببرند و بجای علم و حکمت و اخلاق، آز و بخل و شهوت نهند و مانند قوم عاد دل به دشمن دهند و مانند قوم صالح از جهان صلاح بگردند و مانند قارون، قرین هلاکت گردند! و چون فرعون طاغی غرق طوفان شوند! چه که حرص دنیا راه دین بر آنها زده، قدم بر خط خطا نهاده و جریده خویش به جریمه سیاه پر کرده، آینه دل پر از زنگار گناه شده و هر دل که خراب و سیاه گشت سزاوار کیفر و مستوجب عقوبت است.
تفسیر ادبی و عرفانی کشف الاسرار اثر خواجه عبدالله انصاری ص ۵۹۵

جدیدترین کتاب در خداشناسی برای نوجوانان منتشر شد

آشنای از یاد رفته

میراث

در آغازین روزهای زمستان ۱۴۰۰ «آشنای از یاد رفته» درسنامه‌ای در توحید که بر مبنای کتاب گوهر آسمانی تألیف شده به بازار نشر پا نهاد.
این کتاب در پنج فصل و ۲۳ درس تنظیم شده است. در آغاز هر درس پرسش‌هایی تحت عنوان «خودآزمایی» و همچنین «پژوهش»هایی برای مطالعه و تحقیق بیشتر طراحی شده که امر یادگیری را به دانش‌آموزان ساده می‌کند.
در این کتاب تصاویری از عظمت خلقت و مطالبی برای آموزش بیشتر در لا به لای دروس و نیز برخی پیوست‌ها در پایان فصل دیده می‌شود.
فصل اول در ۷ درس مبانی معرفت خداوند یکتا را بررسی می‌کند. مقدماتی در اهمیت امر دین و ضرورت فراگیری اعتقادات به‌عنوان درس اول آمده است. دروس این فصل بر معرفت فطری و برخی ویژگی‌های آن همچون ماندگاری و عمومیت و بی‌نیازی از استدلال‌های پیچیده تأکید می‌کند. یک درس نیز به نقش انبیا در تذکر دادن به همین معرفت خدادادی اختصاص یافته است.

فصل دوم به آیات و نشانه‌های خداوند می‌پردازد؛ آیات آفاقی و انفسی تعریف می‌شود، نظم و هدفداری خلقت از کوچکترین جزء گرفته تا کرات و کهکشان‌ها همه حاکی از یک شعور برتر است. در همین فصل می‌خوانیم:
آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
مطالبی درباره نظم سلولی و عملکرد مولکولی موجودات زنده آمده و ثابت شده است که نظریه تکامل در واقع تأییدی است بر توحید و مدبرسانندهٔ خداباوران است، اما آنچه در عمل اتفاق افتاده سوءاستفاده برخی دانشمندان مادی‌گرا و بهره‌گیری از این نظریه در انکار خدای جهان آفرین است.
فصل سوم طی دروس ۱۳ تا ۱۶ با نقد آیین‌های تحریف شده به تنزیه خداوند سبحان می‌پردازد و مواردی از لغزش مکاتبی را که از وحی فاصله گرفته‌اند، نشان می‌دهد و آنگاه طی یک درس در تنزیه خدای سبحان به دو حد تعطیل و تشبیه اشاره می‌کند که هر دو را باید از خدای سبحان دور کرد.
فصل پنجم این کتاب در عوامل نگهداری از این معرفت الهی و نیز در آثار و پیامدهای خداباوری است. عواملی همچون شکر و سپاس به درگاه الهی و دوری از گناه، توبه و استغفار، همنشینی با نیکان، جست‌وجوی معارف دین در پرتو هدایت خواهی از معصومین علیهم‌السلام کمک‌کار خداجویان در افزایش معرفت الهی است.
همچنین از آثار خداباوری می‌توان به نتایج سودمندی اشاره کرد همچون: آرامش یافتن دل‌ها با خداباوری، دوستی شدید خداوند، خداپروایی، خشوع، موازنه خوف و رجاء، سلامت جسمی و روانی و مدارا با مردم.
درخاتمه چشم‌اندازی به مطالب کل کتاب، منابع مطالعه کتاب و نیز معرفی کتاب طی یک چکیده به زبان انگلیسی آمده است. این کتاب به همت آقای عبدالحسن طالعی به ثمر رسیده و با زحمات انتشارات نیک معارف تهران به تازگی در ۲۰۰ صفحه منتشر شده است.

بهشت گمشده ما؟

سید مسعود راد

-سلام فرشاد خوبی؟ مزاحم نباشم؟ _سلام حمید جان چاکرم، مراحمی فقط نقطه اضافی گذاشتی. آره منم خوبم. خیلی وقت بود ازت خبری نداشتم. -تنها بودم گفتم یه چتی بزنیم - چه جالب! منم دیشب تنها بودم و فیلم می‌دیدم. تا صبح خوابم نبرد. - راستی! از فرشید خبر داری؟ _ نه خیلی وقته که ازش خبری ندارم. ولی گاهی عکس‌هاشو توی فیس بوک میذاره. لطیفه‌های خوبی تو صفحه‌اش داره!! من که هر وقت دلم تنگ میشه یه سری به صفحه‌اش میزنم. یه کمی می‌خندم دلم وا میشه. سه تایی عجب دورانی داشتیما!! جدیدا هم چندتا عکس قدیمی از خودمون گذاشته... کلی از بچه‌های دانشگاه زیرش کامنت گذاشتن اگه حال داشتی برو توی صفحش همه رو اونجا میبینی شنیدی می خواد برا همیشه بره هلند؟ - نه؟! کی قراره بره؟! - ویزاش درست شده؟ تو چرا توی صفحت در این مورد چیزی ننوشته بودی؟ - خونشون که نزدیک خونه شماست چرا بهش سر نمی‌زنی؟ - آره خونشون دوتا خیابون پاینتره، میخوام بهش سر بزنم ولی تو خیابونشون هیچ وقت جای پارک پیدا نمیشه. راستی پدرت چطوره بهش سر می‌زنی؟! خوبه دو سه ماه یک بار می‌رم خونه سالمندان، بهش سر می‌زنم به خدا وقت نمی‌کنم- چرا نفس نفس می‌زنی - روی تردمیلم دارم ورزش می‌کنم - بازم خوبه تو یه تکونی به خودت میدی. من که حس رفتن تا سوپری پایین خونمون رو هم ندارم. حسابی تنبل شدم...
دنیای مدرن و تکنولوژی عصر ما علی رغم فواید بی‌شماری که داشته است؛ در عین حال، علت اصلی افسردگی نسل جدید و آینده خواهد بود، این که بتوان راهی برای رفع این معضل به وجود آورد خیلی فرحبخش و امیدوارکننده است؛ ولی متأسفانه طی سال‌های اخیر این افسردگی به‌شدت رو به افزایش بوده است و انسان‌ها را نیز از هم بیگانه و منزوی ساخته است. به نظر شما آیا می‌توان عواطف انسانی، مردم را به آنها برگرداند؟

به گزارش خبرنگار سایت پزشکانِ بدون مرز، به نقل از نیو ساینتیست، براساس گفته‌های دنیل گلمن روانشناس،[1] انسان‌های امروز نسبت به نسل پیشین افسردگی شدیدتری را تجربه می‌کنند که این افسردگی با پیشرفت‌های تکنولوژیکی ارتباطی مستقیم دارد با ادامه نفوذ موبایل ها، رایانه‌ها و اینترنت در زندگی انسان، وابستگی‌های متعددی از قبیل کنترل دائمی نامه‌های الکترونیکی و پیام‌های اینترنتی، به روز کردن فیس بوک، مای اسپیس و پروفایل (Linked IN) برای مردم به وجود آمده است.گلمن معتقد است، انسان‌های نسل امروز خوابگردهایی هستند که تکنولوژی تأثیر شگرفی روی سلامتی و خوشی آنها گذاشته است و انسان‌ها باید هر چه زودتر از این سلطه تکنولوژیکی جلوگیری کنند.افزایش تبلیغات باعث شده جوانان و کودکان به‌صورت فزاینده‌ای در معرض تأثیرات منفی آنها قرار گرفته و کم کم باور کنند که برای داشتن یک احساس شاد و خوب، حتماً لازم است که مالکیت جدیدترین مدل‌های ابزارهای الکترونیکی را به دست آورند، مطالعات جدیدی که توسط محققان «کالج ناکس» در «گالزبرگ» صورت گرفته است، نشان می‌دهد؛ افرادی که ارزش زیادی را برای این اهداف قائل می‌شوند، نسبت به افراد دیگر، بسیار غمگین ترند.گفته می‌شود که وقت طلا است به نظر می‌رسد امروز، این اصطلاح استدلال یا توجیهی برای استفاده از لپ تاپ‌ها و تلفن‌های همراه و هوشمند است تا به این شکل افراد بتوانند فاصله میان کار و منزل خود را از بین ببرند و نبود این فاصله می‌تواند به رابطه فرد با افراد مورد علاقه‌اش آسیب های جدی وارد کند.این رویدادها همچنین می‌تواند آینده‌نگری فرد را از بین برده و باعث شود تا فقط بر اهداف کنونی و حال تمرکز داشته باشد. جامعه مدرن تحت تأثیر این فشارها در معرض خطر تعویض استاندارد زندگی باکیفیت، قرار خواهد گرفت.گلمن، استقلال، روحیه رقابت طلبی، برقراری رابطه با اطرافیان و تفکر منتقدانه را، راه حل‌هایی تأثیرگذار می‌داند تا به این شکل انسان بتواند رویکرد متعادلی نسبت به تکنولوژی داشته و سلامت خود را بهبود بخشد.به نقل از روزنامه تایمز: تکنولوژی و فشار زندگی مدرن، بزرگترین متهمان فراگیر شدن تنهایی و افزایش تعداد کسانی است که برای ارتباط با دوستان و خانواده خود، متکی به اینترنت هستند.سرمایه‌گذاران به علت تولیداتی که در زمینه محصولات تکنولوژیکی دارند، نیازمند به ترغیب مصرف‌کننده برای مصرف بیشتر یا همان جذب سرمایه، می‌باشند و نسبت به اتفاقی که برای مصرف‌کننده تکنولوژی رخ می‌دهد بی‌تفاوتند. مصرف‌کننده تکنولوژی تمام کارهای روزانه‌اش را به کمک این محصولات انجام می‌دهد و به کمک دیگران نیازی ندارد. همین مسأله باعث می‌شود که کم کم از دیگران فاصله گرفته و منزوی شود. آدم‌هایی که در طی هزاران سال یاد گرفته بودند که برای زندگی کردن به یکدیگر متکی باشند، در سختی‌ها، در کارهای روزمره و در خوشی‌ها و جشن‌ها کنار هم باشند امروز یکدیگر را گم کرده‌اند و در نتیجه «احساس تنهایی و انزوا» گریبان نسل امروز و آینده ما را خواهد گرفت. مگر این که آگاه شویم بهشت ما در دنیا، در کنار هم بودن است.
به دیدار هم رفتن و ساعتی در کنار عزیزان نشستن، به همراه نوشیدن یک فنجان چای یا قهوه و به چشمان یکدیگر نگاه کردن و با شادی و مهربانی به درد دل‌های هم گوش دادن، بهشت واقعی ماست.
پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: صدقه بجا، نیکوکاری، نیکی به پدر و مادر و صله رحم، بدبختی را به خوشبختی تبدیل و عمر را زیاد و از پیشامدهای بد جلوگیری می‌کند.[2]
امام سجاد علیه السلام: هر کس به دیدار دوست و برادر خود برود و برای رضای خداوند او را زیارت نماید به امید آن که به وعده‌های الهی برسد، هفتاد هزار فرشته او را همراهی و مشایعت خواهند کرد. و نیز هاتفی از پشت سر ندایش در دهد که بهشت گوارایت باد که از آلودگی‌ها پاک شدی؛ پس چون با دوست و برادر خود دست دهد و مصافحه کند رحمت الهی، فرایش خواهد گرفت.[3]
مقدمه بهشت ظهور امام عصر علیه السلام و درک عاشقانه‌های روابط انسانی در سراسر جهان یافتن همین بهشت است. بهشت گمشده خود را بیابیم تا به بهشت مهدوی برسیم.امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «آیا شما نزد برادرتان می‌روید و دست در جیب او می‌برید و به اندازه نیاز بر می‌دارید و او مانع شما نمی‌گردد؟ راوی می‌گوید: گفتم این رسم در میان ما نیست. امام فرمود: پس قابل توجه نیست. راوی می‌گوید: آیا هلاکت در پیش است؟ فرمود: این مردم هنوز به رشد عقلانی نرسیده‌اند.»[4]
ولی هنگامی که قائم ما قیام کند دوستی واقعی و صمیمیت حقیقی پیاده می‌شود تا حدی که هر نیازمندی دست می‌برد و از صندوق برادر ایمانی‌اش به مقدار نیاز بر می‌دارد و صاحب صندوق او را منع نمی‌کند.»[5]
خدایا پریشانی ما را بواسطه (امام عصر علیه السلام) جمع گردان و پراکندگی ما را به وجود او اصلاح فرما و شکاف و تفرقه های ما را اتحاد بخش و عده قلیل ما را بسیار گردان.[6]

۱- دنیل گلمن (Daniel Goleman) روانشناس امریکایی و نویسنده کتاب هوش عاطفی است.
۲- حدیث شریف پیامبر اکرم، نقل از نهج الفصاحه، ح ۱۸۶۹
۳- مشکاة الانوار، صفحه ۲۰۷
۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۸
۵- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲
۶- بخشی از دعای افتتاح

وضعیت فعلی میراث مکتوب شیعه

دکتر حسین متقی
استاد دانشگاه

به‌عنوان یک شاخص از وضعیت آثار شیعی، اگر تنها به پنج اثرِ فهرستی کهن، یعنی فهرست ابن ندیم، فهرست نجاشی، فهرست شیخ طوسی، فهرست منتجب‌الدین رازی و معالم العلمای ابن شهرآشوب؛ نظری افکنده و اسامی مواریث شیعی در سطر سطر آنها را از دیده بگذرانیم و سپس آن آثار را در کتابخانه‌های تراثی جهانِ امروز یا سطر سطرِ فهرست‌های نسخ خطی منتشر شده به زبان‌های مختلف، پی‌جویی نماییم، شاید بتوانیم تصویر نسبتاً دقیقی از وضعیتِ آنها و آنچه بر آنها گذشته است، برای نسل حاضر ترسیم کنیم. در یک کلام، باید گفت، آری، هزاران اثر کهن شیعی، حتی در حدّ یک دهم آنها هم، به دست نسل حاضر نرسیده است!
دیگر، وارد سرنوشت و سرانجام غم‌انگیز کتابخانه‌های کهنی، نظیرِ کتابخانه نفیس سیدمرتضی علم‌الهدی (۸۰هزار نُسخه)، کتابخانه کم‌نظیرِ صاحب‌بن‌عَبّاد(۱۱۰هزار نسخه)، کتابخانه شیخ طوسی در کرخ بغداد یا کتابخانه‌های دولتی همچون دارالکتب فیروزآباد (۱۹هزار نسخه)، کتابخانه ربع رشیدی تبریز (حدود ۱۰۰هزار نسخه) یا کتابخانه رصدخانه مراغه (۴۰هزار نسخه) و صدها کتابخانه نابود شده دیگر تا قرن دهم هجری نمی‌شویم که خود داستان تراژیک دیگری است و سخن درباره سرانجام آنان، طبعاً مقال و مجال دیگری می‌طلبد. اگر از جفاهای عمدی رفته بر گنجینه‌ها و مواریث شیعی از سوی خصم نیز بگذریم، با لیست بلند بالایی از خطاهای سهوی یا اهمال‌ها در نگهداری بهینه فیزیک این مواریث کهن، کوتاهی در استنساخات آثار به دلایل مختلف، بلایای طبیعی همچون سیل و زلزله و باران، فقدان ابزار آلات و ادوات ترمیم و غیر اینها و...، مواجهیم که به‌رغم تکثر علل و عوامل، نتیجه‌اش یکسان است و آن چیزی جز نابودی حدود ۹۰ درصد از فیزیک مواریث کهن شیعی نیست.
تنها به‌عنوان یک نمونه شاخص و بارز از وضعیت آماری آثار شیعی، به کتاب‌شناسی بزرگ شیعه، یعنی الذریعه الی تصانیف الشیعه مرحوم آقابزرگ تهرانی، نگاهی گذرا می‌کنیم؛ همگی بخوبی می‌دانیم، این اثر حاصل عمر شریف آقا بزرگ و محصول حدود ۶۰ تا ۷۰ سال از تتبعات وی در ثبت اسامی مواریث کهن شیعی است. با غض‌نظر از اضافات و ملحقات بما لایرضی صاحبه از سوی کسانی، در این کتاب‌شناسی سترگ، حدود ۵۵هزار اثر شیعی معرفی شده است. جالب است بدانیم حدود ۶۵ درصد این آثار صرفاً یک اسم خالی است که بر پایه منابع فهرستی کهن، در این گنجینه کم نظیر، ثبت و گنجانده شده است و به زبان ساده‌تر آنها، در واقع کتب مفقوده‌ای هستند که امروزه نشانی از آنها نیست و نسخه‌ای از آنها به دست ما نرسیده است.مرحوم آقابزرگ، از این ۵۵هزار اثر شیعی معرفی شده در الذریعه، شاید تنها برای حدود ۱۰هزار مدخل، احیاناً نسخه‌ای، متناسب با شرایط آن دوره، گزارش داده است، با عباراتی همچون: رأیت عنها نسخه عند ولد شیخ فلان؛ که با توجه به تغییرات و تبدلات خاندانی و مهاجرت‌ها، اساساً شاید ۸۰ درصد این موارد، امروزه ابداً قابل ردیابی و بازیابی نباشند و نکته جالب‌تر این است که در حالت خوشبینانه شاید تنها ۲هزار مدخل را نسخه‌هایی که وی معرفی می‌کند، بتوان آنها را امروزه رهگیری و ردیابی نمود. به دگر تعبیر، از صدها هزار اثر شیعی نگارش یافته در بیش از هزار سال دوره شکوفایی تمدن اسلامی، شاید در حالت خوشبینانه آن، تنها به متن ۱۰ درصد آثار شیعی، دسترسی یابیم. حال با همین سنجه و معیار، فرضاً اگر امروزه با یک نهضت جهانی، در شناسایی آثار شیعی در جای جای این کره خاکی، گام‌های استواری برداریم، شاید این رقم ۱۰ درصد را به ۲۰ درصد برسانیم و یک تا دو درصد آثار هم با فرایند استخراج و بازسازی متون از دل آثار دیگر، به رقم ۲۲ درصد برسانیم.
نکته بسیار کلیدی و مهم ماجرا این است که ما در حالت خوشبینانه، تنها و تنها به یک پنجم آثار شیعی، به نحو کلی دسترسی داریم و بدون هیچ تعارفی، با یک حساب سرانگشتی دیدیم که حدود ۸۰ درصد متن آثار شیعی به دست ما نرسیده و به اصطلاح مفقوده است و ما به هر دلیل متصور، از محتوای آنها بی‌خبریم و محروم. البته فراموش نشود، پیش فرض ما در این نگاه خوشبینانه، این بود که آثار تولیدی شیعه، دست‌کم در بخش ثبت اسامی آنها در میان آثار فهرستی کهن به دست ما رسیده است و صد البته اگر در همین موضوع تراژیک نیز نیک نگریسته و به نحو عمیق مورد تأمل واقع شود، به دلایل وقرائن متعددی، به وضوح درخواهیم یافت، بیشتر آثار تولید شده شیعی، حتی در حد اسم آنها نیز به دست ما نرسیده، چه رسد به محتوای آنها!
شاید با مشاهده این آمارهای تکان‌دهنده، بتوانیم درک نسبتاً درست و بهتری از کیفیت تلاش‌ها، سختی‌ها و زحمات طاقت‌فرسای کسانی همچون میرحامد حسین نیشابوری لکهنوی در نگارش عبقات الانوار یا علامه عبدالحسین امینی در تألیف کتاب گرانسنگ الغدیر، داشته باشیم. بر عزیزان مبرهن است که در تمامی پژوهش‌ها، دسترسی به منابع تحقیق، بدیهی‌ترین و اساسی‌ترین اصل در پژوهش‌هایی نظیر تحلیلات تاریخی و اعتقادی است؛ اما در عین حال، صرف‌نظر از مقوله کتب شیعی مفقوده در گذر زمان، که خود حسرت مضاعف و بار گرانی است بر دوش اندیشمندان، حتی با داستان‌هایی تکان دهنده از تعذر دسترسی‌ها به برخی منابع موجود شیعی، همچون صراط مستقیم مرحوم بیاضی مواجهیم که بارها درباره کسانی چون علامه امینی و دیگران شنیده شده است.

■ **میراث مکتوب اهل بیت علیهم‌السلام و وضعیت کنونی آنها**

میراث مکتوب اهل‌البیت علیهم‌السلام، به نحو عام، چه آثاری که مستقلاً و مستقیماً تراث اهل البیت(ع) محسوب می‌شوند، همچون صحیفه سجادیه، نهج‌البلاغه و دیگر کتب حدیثی و چه آثار منظوم و منثوری که در مدایح و مراثی یا تبیین جایگاه و مرجعیت آن ستارگان هدایت علیهم‌السلام نگارش یافته است و همچنین با غض‌نظر از مذهب شیعی، سنی یا حتی مسیحی تولیدکنندگان این آثار مستقل به زبان‌های مختلف، جملگی، با اندکی تسامح، میراث مکتوب اهل بیت علیهم‌السلام محسوب و شناخته می‌شوند. البته آثار مشتمل متکثری که در فصلی یا بخشی از آن به موضوعاتی درباره اهل بیت علیهم‌السلام اشاره شده باشد، عرفاً از شمول این مواریث کهن و عنوان مربوطه خارج است؛ هر چند همه این آثار مشتمل، به نحو غیرمستقیم در تمامی مباحث و مطالعات اسلامی و شیعی مرتبط با اهل بیت علیهم‌السلام داخل و مندرج است و بدون تردید در عمل هم، فراوان مورد استناد و استفاده پژوهشگران این عرصه‌های مطالعاتی قرارگرفته‌اند.
بر پایه بررسی‌های کتابخانه‌ای و میدانی در گنجینه‌های تراثی داخلی و خارجی و نیز فهرست‌های نگاشته شده در معرفی نسخ خطی این گنجینه‌های کهن، در طی حدود سه دهه، به نحو ظن متآخم به یقین، مشخص گردیده است، در حالت کمینه، ما با حدود ۲۵هزار عنوان در حداقل ۲۵۰ هزار نسخه، با گستره جهانی آن، مواجه هستیم؛ به دگر تعبیر اگر به لطف الهی، همه فهارس نسخ خطی اسلامی نگارش یافته به زبان‌های مختلف، برای معرفی حدود دو میلیون نسخه خطی اسلامی به زبان‌های عربی، فارسی، ترکی، اردو، کردی، پشتو و غیره، مورد بررسی دقیق قرار بگیرند، ما با حدود ۲۵۰ هزار نسخه خطی مرتبط با اهل بیت علیهم‌السلام روبه‌رو خواهیم شد که حداقل ۱۰۰هزار نسخه آن مرتبط با شخصیت مولی‌الموحدین، حضرت امیرالمؤمنین علی‌بن ابی‌طالب علیهماالسلام خواهد بود. حال اگر روزی، به فضل الهی، سه میلیون نسخه خطی اسلامی فهرست نشده دیگر (مطابق آمار مؤسسه الفرقان لندن در سال ۱۹۹۲م)، که در جای جای این کره خاکی، کتابخانه‌های عمومی و خصوصی نگهداری می‌شوند نیز فهرست شوند، بدون تردید به این آمارها، حدود ۶۵ تا ۷۰ درصد نیز افزوده خواهد شد، یعنی ما در حالت کمینه، با ۵۰هزار عنوان و حداقل ۶۵۰هزار نسخه خطی مرتبط با اهل‌البیت علیهم‌السلام مواجه خواهیم بود. برای اینکه محققان جوان ما، با کم و کیف تولیدات و استنساخات، میزان فراوانی و پراکندگی آماری آثار مرتبط با اهل‌بیت علیهم‌السلام، در گستره تمدنی جهان اسلام، بیشتر آشنا شوند، اشتراک‌گذاری یک تجربه فردی در طی سه دهه ـ که طبعاً قابل شمول بر سایر فرایندهای پژوهشی است ـ خالی از لطف نخواهد بود. بررسی‌های کتابخانه‌ای و میدانی همه جانبه، طی سه دهه به نحو فردی، با بررسی حدود ۳۰ درصد از فهارس نسخ خطی کتابخانه‌های تراثی جهان (۱۵ تا ۲۰ هزار مجلد)، حاکی از آن است، در این مدت ۷۵ هزار نسخه خطی در حدود ۲۰هزار عنوان مرتبط با اهل‌بیت علیهم‌السلام مورد شناسایی قرار گرفته است. از این تعداد حدود ۳۵ هزار نسخه درباره امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام؛ ۲هزار نسخه درباره فاطمه زهرا سلام‌الله علیها؛ ۵۰۰ نسخه درباره امام حسن علیه‌السلام؛ ۱۰هزار نسخه درباره امام حسین علیه‌السلام؛ ۲هزار نسخه درباره امام سجاد علیه‌السلام؛ ۱۰۰نسخه درباره امام باقر علیه‌السلام؛ ۳هزار نسخه درباره امام صادق علیه‌السلام؛ ۷۰ نسخه درباره امام کاظم علیه‌السلام؛ ۲۵۰۰ نسخه درباره امام رضا علیه‌السلام؛ ۵۰نسخه خطی درباره امام جواد علیه‌السلام؛ ۱۵۰نسخه درباره امام هادی علیه‌السلام؛ ۶۵ نسخه درباره امام عسکری علیه‌السلام؛ ۳هزار نسخه درباره امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف و ۱۶۵۰۰نسخه مشترک با اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌باشد و ناگفته پیدا است که تعداد نسخ مرتبط با هر یک از ستارگان هدایت علیهم‌السلام، حاوی پیامی دقیق و والا و قابل‌تأمل است و همان‌طور که اشاره گردید، اگر محتوای ۷۰ درصد فهارس نسخ خطی نیز مورد ملاحظه قرار گیرد، بدون تردید این رقم به سه برابر کنونی، یعنی حدود ۲۵۰هزار نسخه خطی افزایش خواهد یافت ان‌شاءالله.